



تحلیلی بر اصول اساسی حاکم بر ضمانتنامه‌های عندالمطالبه در حقوق تجارت بین‌الملل با نگاهی به لایحه تجارت
همایون مافی، مهدی فلاح خاریکی
تابعیت مضاعف در حقوق ایران و انگلستان
رضا حسین گندم کار، حسام الدین ترکمن، شهرزاد دربندی
شرایط پرداخت نفقه و ضمانت‌های حقوقی و کیفری استتکاف از پرداخت نفقه در فرانسه و ترکیه
آرش کامرانلو، سبحان طیبی
مسئولیت مدنی دولت در قبال اطلاع دادرسی
ابوالفتح خالقی، فاطمه خدابنده
تحلیل حقوقی شرط دوره توقف در معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی
مجتبی اصغریان، محدثه احمدآبادی، محمدرضا افشاری
نقش قوه قضاییه در پیوند امنیت قضایی و امنیت اقتصادی
محمود حبیبی تبار، امیر اسماعیلی
اصل عدم قطع؛ اصلی بنیادین در تحدید حدود مناطق دریایی
محسن بهجتی
جستاری در توجیهات فایده‌گرایانه معاصر از مجازات؛ از بازدارندگی عام تا پیشگیری عام
محمدمهدی صادقی
اجرای تعهدات متوفی در حقوق ایران و فرانسه
یونس باقری
اصالت اختیار زنان در رابطه با زناشوئی و طلاق در حقوق ایران باستان
محمدمهدی داور، سعیده تسلیمی
بررسی انتقادی صلاحیت اضافی محاکم کیفری اختصاصی در مواجهه با همکاری مجرمانه
سیدمحمد خضری
شرایط ناعادلانه در مقررات قراردادهای مصرف کننده ۱۹۹۹ میلادی انگلستان
امیرمحمد ماهرخ
تحلیلی بر جایگاه اجازه نامه مقام معظم رهبری مبنی بر توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح در نظام حقوقی ایران
محمد خورشیدی اطره
جستاری در علل ظهور عمل گرایي در سیاست کیفری جرائم اقتصادی
رستم علی اکبری، آرزو چراغی، ارسلان مرادی
حق خروج از کشور طفل توسط مادر چالشی در رویه قضایی ایران (با تاکید بر دادنامه صادره شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران)
محمدسعید حسینی، شایسته صالحی، ناهید قاسمی، محسن مهدیزاده
مسئولیت مدنی تورهای زیارتی در برابر خسارات وارده به زائران
علیرضا شمشیری، پریرضا رضوان
جرائم ارتكابی علیه میراث فرهنگی در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا
وحید کیومرثی، مسعود مصطفی‌پور
تحلیل فقهی و حقوقی مسئولیت مأموران آتش نشانی در نظام حقوقی ایران و انگلستان
مجید کیانی‌راد
مسیرهای پر چالش پیش روی آینده حقوق هوش مصنوعی
بهرخ گنجی، محمد غریب شاه
آثار بیع خیاری در حقوق ایران و فرانسه
اردشیر امجدی گلپایگانی
تدابیر پیشگیری از فساد مالی در نظام بانکی ایران: آسیب‌شناسی و راهکارهای بهبود در دو حوزه کنشی و واکنشی
سیدبهمن اکبری
ضرورت های قرارداد در حقوق تجارت الکترونیک ایران
محسن فلاح، خاطره دروگر لیچاهی
تحلیلی بر سیاست کیفری حبس گرای سخت گیرانه و سهل گیرانه در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح
یاسر شاکری
حقوق بشر، پراگماتیسم و محدودیت های نظریه اخلاقی: مروری بر حقوق بشر به مثابه سیاست و بتوارگی
سهیل کلچین



An Analysis of Strict and Lenient Incarceration Policy in the Criminal Law of the Armed Forces

تحلیلی بر سیاست کیفری حبس گرای سخت گیرانه و سهل گیرانه در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح

Yasser Shakeri
PhD in Criminal law and Criminology

یاسر شاکری
دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی

sssf200@gmail.com
<http://orcid.org/0000-0001-7732-8125>

Abstract

The aim of the study is to examine the criminal policy of imprisonment in the Armed Forces Punishment Law approved on 2013. In the aforementioned law, there are thirteen types of imprisonment (imprisonment from one month to six months, imprisonment from two months to six months, imprisonment from two months to one year, imprisonment from three months to one year, imprisonment from three months to two years, imprisonment from Six months to two years, imprisonment from six months to three years, imprisonment from one year to three years, imprisonment from one year to five years, imprisonment from one year to ten years, imprisonment from two years to five years, imprisonment from two years up to ten years and imprisonment from three years to fifteen years) is considered. This study, which is applied in terms of its type and purpose and has been carried out with a descriptive-analytical method, aims to answer the question of what kind of criminal policy has been followed by the Law on Punishment of Armed Forces Crimes approved on 2013 in relation to imprisonment? In response, it can be claimed that the criminal policy of imprisonment in the mentioned law is both a lenient criminal policy along with a heterogeneous criminal policy and a strict criminal policy along with a heterogeneous criminal policy.

Keywords: Armed Forces, Criminal Policy, Imprisonment.

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی سیاست کیفری مجازات حبس در قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ می‌باشد. در قانون مذکور سیزده نوع مجازات حبس (حبس از یک ماه تا شش ماه، حبس از دو ماه تا شش ماه، حبس از دو ماه تا یک سال، حبس از سه ماه تا یک سال، حبس از سه ماه تا دو سال، حبس از شش ماه تا دو سال، حبس از شش ماه تا سه سال، حبس از یک سال تا سه سال، حبس از یک سال تا پنج سال، حبس از یک سال تا ده سال، حبس از دو سال تا پنج سال، حبس از دو سال تا ده سال و حبس از سه سال تا پانزده سال) در نظر گرفته شده است. پژوهش حاضر که از نظر نوع و هدف کاربردی و با روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته است در صدد پاسخ به این پرسش است که قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ در رابطه با مجازات حبس از چه نوع سیاست کیفری تبعیت نموده است؟ در پاسخ می‌توان بیان داشت که سیاست کیفری مجازات حبس در قانون مذکور هم سیاست کیفری سهل گیرانه همراه با سیاست کیفری ناهمگون و هم سیاست کیفری سخت گیرانه همراه با سیاست کیفری ناهمگون می‌باشد.

واژگان کلیدی: نیروهای مسلح، سیاست کیفری، حبس.

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۰۶ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۰۸ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۰۸

Received: 2024/1/09 - Review: 2025/01/31 - Accepted: 2025/02/27

ارجاع:

شاگری، یاسر؛ (۱۴۰۳)، تحلیلی بر سیاست کیفری حبس گرای سخت گیرانه و سهل گیرانه در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، تمدن حقوقی، شماره ۲۲.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

مجازات یکی از قدیمی ترین نهادهای بشری است. جامعه‌ای را نمی‌توان تصور کرد که متجاوزان به قواعد نوشته یا نانوشته‌ای را که مبنای اداره آن جامعه است، مشمول مجازات قرار ندهد. در بیشتر ادیان، مجازات جایگاهی محکم و دیرینه دارد. طبق عقاید مذهبی، خاطیان از دستورهای خدا، یا خدایان، در انتظار مجازات آسمانی در این جهان یا، اگر نه، در جهان آخرت خواهند بود. نقطه مقابل مجازات، پاداش است و شاید پاداش رفتار نیک، همانند مجازات رفتار زشت، شیوه‌ای باستانی و ریشه‌دار باشد. اما مجازات ویژگی مشخصی دارد که به نظر می‌رسد از بعد فلسفی اعمال آن را مسئله‌برانگیز کند، در حالی که درباره پاداش این سخن صادق نیست: مجازات از دیدگاه مجازات‌دیدگان، خصلت ناخوشایند است. مسلماً برخی از خاطیان می‌توانند با مجازات‌های مقرر شده کنار بیایند.^۱ ولی از نظر منطقی، همه مجازات‌ها باید متضمن تنبیه مجرم باشد یعنی متضمن اعمال مجازات‌هایی که اصولاً ناخوشایند است. بدین ترتیب، انسان کیفر دیده با خود کاری کرده است که صرف‌نظر از هر چیز دیگر، اعمال آن یعنی مجازات را بر نمی‌گزید (کاتینگهام، ۱۳۷۶، ۱).

۱- میزان کنار آمدن آنان در هر مورد، ممکن است متفاوت باشد.

به تعبیر «لئون دوگی»^۲ جامعه سیاسی متشکل از فرمانروایان با نمایندگی حاکمیت و فرمانبران^۳ می باشد (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۷، ۳). دغدغه طرف نخست حفظ نظم و آرامش و پیگیری اهداف مورد نظر همراه با بقاء خود تقریباً به هر قیمت ممکن و دغدغه طرف دوم ضمن پذیرش برقراری نظم و امنیت و آرامش، حفظ حریم حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی خود می باشد. نگرانی که با تقویب بیش های لیبرالگرای دهه های اخیر بسیار پررنگ تر شده است. حاکمیت، اراده خود را تقریباً به صورت یک طرفه با روش های گوناگون که نتیجه آن مداخله در محدوده حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی افراد است به نمایش می گذارد. کیفر در هر نظام کیفری مصادیق متعددی را در بر می گیرد. متداول ترین شکل آن سلب آزادی در قالب حبس می باشد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۲). سلب آزادی از محدود مجازات هایی است که متضمن انواع اهداف مجازات ها است و به همین دلیل کلیه نظریه های توجیه کننده مجازات تأکید ویژه ای بر به کارگیری این نوع از کیفر داشته اند (غلامی و افضلیان، ۱۳۸۹، ۱۵۱).

از نظر قضات، بسترهای موجود در دستگاه قضایی و آثار غیرقابل انکار آن ها، موجب می شود تا مجازات حبس به مراتب مطلوب تر و خوشایندتر از نهادهای حبس زدا باشد. آنان، حجم بالای پرونده ها و کمی گرایی را از مهم ترین بسترهای موصوف برشمردند. دو چالش به هم پیوسته و مرتبط با یکدیگر که به یکی از مهم ترین دغدغه های قضات تبدیل شده اند. قضای ای که باید دادرسی عادلانه و قناعت وجدان، تنها دغدغه اش باشد، بیشتر نگران مثبت بودن آمار رسیدگی هایش است و این سیاست، همچون تیغی بر پای قضات، مجال راه رفتن در مسیر عدالت منصفانه را از آنان گرفته است. کاهش دقت در رسیدگی ها، استرس زا شدن قضاوت، افزایش اشتباهات قضایی و بسیاری از معضلات دیگر، تنها گوشه ای از مصائب ناگوار بسترهای مورد بحث می باشند (پورمحمی آبادی و همکاران، ۱۳۹۷، ۳۹).

برخی از مصادیق مجرمانه در نیروهای مسلح ایران، با توجه به تفکر حاکم بر سیاستگذاری در جهت افتراقی نمودن جرائم، به گونه ای مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است که ضمن تأکید بر حفظ نظم عمومی، در حفظ نظم یگان های نظامی نیز مؤثر واقع گردد. به عبارت دیگر جرائم نظامی در پاره ای از مواقع در صورت عدم تأکید بر مقابله با آن، می تواند در نظم عمومی نیز اختلال ایجاد نماید که از جمله

۲- حقوقدان فرانسوی.

۳- مردم.

مصادیق آن، استفاده غیرقانونی از سلاح می‌باشد (شاگری، ۱۴۰۳، ۳۶۵). در پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته است اهتمام بر آن بوده تا مجازات حبس در قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ با نگاهی تطبیقی به قانون محاکمات نظامی مصوب ۱۳۰۷، قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ و قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ مورد بحث و مطالعه قرار گیرد.

۱- رویکرد مجازات حبس

مهم‌ترین هدف از اجرای مجازات‌ها از زمان‌های بسیار دور، جنبه ارعاب و بازدارندگی بوده است که همان جنبه پیشگیری و سودمندانه کیفر است. به این مفهوم که مجازات آن چنان ترس و واهمه‌ای ایجاد می‌کند که در وهله اول خود بزه‌کار تمایل به ارتکاب مجدد بزه را از سر بیرون کند و دیگر دنبال بزه‌کاری نگردد که همان ارعاب فردی است و در مرحله دوم اجرای مجازات نسبت به شخص بزه‌کار، دیگران را نیز تحت تأثیر قرار دهد. با مجازات جسم مجرم علاوه بر این که خود او به لحاظ محرومیت از آزادی به‌عنوان اولین نعمت بشری و سختی متنبه می‌گردد، اهرمی پیشگیرانه در جهت جلوگیری از ارتکاب جرم از سوی افراد جامعه می‌گردد (بهرامی و همکاران، ۱۴۰۱، ۱۶۵۵).

رویکرد سزادهی، که از قدیمی‌ترین توجهات اعمال مجازات است، حول محور استحقاق بزه‌کار و در راستای جبران گذشته بر می‌آید. در مقابل، رویکرد اصلاح یا بازپروری مفهومی نسبی و پیچیده است که به معنای تقویت ملایم توانایی سازگاری و رعایت قانون است. اما رویکرد ارعاب از طریق تهدید افراد اعم از بزه‌کار و جامعه نسبت به عواقب ناخوشایند ارتکاب جرم قوام می‌گیرد و در ذات خود با شدت همراه است. آموزه بازدارندگی مجازات و نقش و تأثیر آن بر بزه‌کار و اشخاص ناکرده بزه نه فقط مبنایی مهم برای توجیه کیفر است بلکه بیانگر انتظاری است که از مجازات به‌عنوان مهم‌ترین عامل حذف‌کننده اندیشه بزه‌کاری وجود دارد. ناتوان‌سازی هم که در راستای سلب توان بزه‌کاری گام برمی‌دارد بیشتر بر یک ناگزیری مبتنی است و آن این که هدف ارعابی یا اصلاحی مجازات در مورد برخی بزه‌کاران کارساز نیست و چون دسته‌ای از بزه‌کاران تا آن جا که بتوانند بزه‌کارند، تنها راه جامعه برای حمایت از خود کنار گذاشتن یا سلب توان بزه‌کاری این مجرمان است. در این میان، برخلاف رویکرد سزادهی که وظیفه گرا و ناظر به گذشته است، سه رویکرد اخیر فایده‌گرا و ناظر به آینده هستند.

ناکامی در دستیابی به اهداف مجازات خود را در رشد جرم و به ویژه معضل تکرار جرم توسط

مجرمان سابق نشان می‌دهد. نرخ بالای جرم و تکرار جرم محکومان سابق کارایی نظام عدالت کیفری را موضوع این پرسش بنیادین قرار داده است که آیا ناتوانی و ناکارآمدی عدالت کیفری اثبات شده است؟ این وضعیت اگر ناشی از ناکارآمدی الگوی کیفری در نفس امر نباشد، از گزینش ناصحیح کیفر برای بزه یا بزه‌کار پرده بر می‌دارد که به نوبه خود موجب تشدید کیفرها شده است، چنان که وقتی کیفرگذاران بی‌نتیجه ماندن کیفر را می‌بینند، به ساده‌ترین راه یعنی شدت بخشیدن به مجازات متمسک می‌شوند؛ در حالی که اگر کیفر از برآورده ساختن اهداف در خصوص بزه یا بزه‌کاری خاص ناتوان باشد، تشدید میزان هم تأثیری نخواهد داشت.

هر فرد دارای مسئولیت کیفری که مرتکب بزه می‌شود حق دارد به گونه‌ای منطقی، منصفانه و باقاعده کیفر ببیند. این امر حق سلبی بزه‌کار مبنی بر کیفر ندیدن بی‌اندازه و بی‌قاعده را هم در خود گنجانده است. همچنین، جامعه حق دارد دولت را بابت هزینه‌هایی که در راستای پیشگیری از جرم و مجازات مجرمان صرف می‌کند بازخواست کند و اثرات مطلوب آن را به گونه‌ای ملموس احساس کند. در کنار این موارد یکی از حقوق مسلم بزه دیده، که از جرم ناشی می‌شود، التیام آلام بزه دیده با کیفردهی بزه‌کار است. تحقق این حقوق سه گانه که تعارض و تزاخم بالایی با هم دارند مقتضی یک راهبرد کیفری هدفمند است. کیفرگذاری هدفمند به معنای سیاستگذاری در زمینه مجازات، اعم از نوع و میزان مبتنی بر یک منطق قابل پیش‌بینی و قاعده‌مند است که آموزه‌های علمی کیفرشناختی و جرم‌شناختی در آن نقشی پررنگ دارند و اصول مسلم حقوق کیفری مانند اصل تناسب، اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری، اصل اعتدال و... بر آن حاکم هستند و در عین حال به مصالح هر سه طرف بزه یعنی بزه‌کار، بزه دیده و جامعه توجه دارد (حاجی ده آبادی و سلیمی، ۱۳۹۸، ۱۰۳).

هر کیفر برای اهداف خود به مثابه علت برای معلول است و قاعده این است که در صورتی یک معلول حادث می‌شود که علت آن به درستی انتخاب شده باشد، در غیر این صورت هر چه بر شدت و میزان علت نامرتبط افزوده شود، تأثیری بر تحقق معلول منظور ندارد. از این رو، اصولاً ارتباطی بین شدت مجازات و تأمین هدف وجود ندارد. شدت یک مجازات در صورتی بر مطلوبیت آن می‌افزاید که نخست، نوع مجازات با جرم هماهنگ و در راستای تأمین اهداف چهارگانه باشد. در واقع، تأثیر میزان مجازات فرع بر گزینش صحیح نوع مجازات است. دوم، بیش از اندازه‌ای که نیاز است نباشد. در مواردی که یکی از دو شرط فوق محقق نباشد، نه تنها هدف یا اهداف مقرر تأمین نمی‌شوند، بلکه

عکس آن محقق می‌شود؛ برای مثال، مجازات جرایم رانندگی باید به اندازه‌ای شدید باشد که بزه‌کاران بالقوه را از ارتکاب آن بازدارد، ولی نه آن میزان که افراد محتاط و محافظه‌کار را از رانندگی منع کند (خالقی و شاه چراغ، ۱۳۹۳، ۷۱).

اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری بیانگر آن است که در رویارویی با نابهنجاری اجتماعی، جرم انگاری آخرین راه حل است. به موجب این اصل، مجازات شری است که تنها در آخرین مرتبه باید آن را چاره کار دانست. اگر با تدابیر غیر کیفری اهدافی که از کیفر انتظار می‌رود تأمین شوند، هیچ‌گاه قانونگذار یا دادرس نباید به کیفر متوسل شود. اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری به ویژه در نظام‌های قانون‌مدار و پایمند به ارزش آزادی جایگاه ویژه‌ای دارد. با توجه به این که در چنین دولت‌هایی اصل اولی آزادی شهروندان است، تحدید آزادی از جمله از راه جرم انگاری به توجیه کافی نیازمند است (نوبهار، ۱۳۹۰، ۴۳). استفاده ابزاری از حقوق کیفری و ضمانت اجرای مجازات، افزون بر آن که اقتدار حقوق کیفری را در هم می‌شکند، تأثیر چندانی هم در القای ارزش‌های مدنظر قانونگذار به جامعه ندارد (حاجی ده آبادی، سلیمی، ۱۳۹۳، ۶۷).

وقتی صحبت از کیفر و مثلاً حبس می‌شود، باید در ذهن مردم شدیدترین جرایم و تجاوز به اساسی‌ترین ارزش‌ها تداعی شوند، نه این که برای هر رفتار کم اهمیت، جزئی و مربوط به حریم خصوصی و حق زیستن مردم بر اساس سبک‌های مختلف زندگی به کیفر حبس متوسل شویم (حبیب زاده و زینالی، ۱۳۸۴، ۱۲). شدت و خشونت قوانین کیفری می‌توانند به خشونت بیشتر در جامعه بینجامند و قوانین کیفری خشن اگر با خشونت بالفعل افراد در هم آمیزند، خود پایه‌گذار توسل به جرایم خشونت‌بار جهت حصول به افعال مجرمانه خواهند بود (غلامی، ۱۳۹۰، ۳۰۰). منظور از تناسب جرم و مجازات تنها تناسب در درجه شدت کیفر نیست، بلکه تناسب میان جرم و مجازات هم در انتخاب نوع مجازات و هم در تعیین مقدار مجازات باید رعایت شود (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۹، ۳۴). اگر مجازات پیش بینی شده برای رفتار بیش از حد شدید یا برعکس بسیار ملایم باشد، اصل تناسب نقض شده است. مجازات یک بزه نمی‌تواند بدون توجه به صدمه و سرزنشی که جرم باعث آن است صورت گیرد. به بیان دیگر، بین گستره خسارات ناشی از یک جرم یا قبح اجتماعی آن و مجازات مقرر باید تناسب و تعادل برقرار باشد. واقعیت آن است که یافتن مجازات نامتناسب به مراتب آسان‌تر از مجازات متناسب است (غلامی، ۱۳۹۵، ۳۷۲).

۲- سیاست کیفری حبس گرای سهل گیرانه

۲-۱- حبس از یک ماه تا شش ماه

به مجازات حبس از یک ماه تا شش ماه تنها در ماده «۲۸»^۴ قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ اشاره گردیده است. مجازات حبس از یک ماه تا شش ماه برای مجازات جرم مهمی همچون تخلیه اطلاعاتی مناسب نمی باشد. وقتی قانونگذار مجازات محارب^۵، مجازات اعدام^۶، مجازات اخراج^۷ و مجازات تعلیق^۸ را در نظر گرفته است، هرچند در ظاهر سیاست کیفری مجازات حبس از یک ماه تا شش ماه از نوع سیاست کیفری سهل گیرانه بوده ولی نشان دهنده سیاست کیفری ناهمگون^۹ نیز می باشد. پیشنهاد می گردد که در بازنگری قانون مذکور، سیاست کیفری با حبس گرایی بیشتری در نظر گرفته شود.

این مجازات در ماده «۲۶۱» قانون محاکمات نظامی مصوب ۱۳۰۷ و در بند سوم ماده «۳۹۱» قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ وجود داشت ولی در قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ وجود نداشت.

۴- تخلیه اطلاعاتی در اثر بی مبالائی و عدم رعایت اصول حفاظتی.

۵- ماده ۱۷، ماده ۱۸، ماده ۱۹، ماده ۲۰، ماده ۲۱، ماده ۲۲، ماده ۲۳، بند «الف» ماده ۲۴، بند «ج» ماده ۲۴، ماده ۲۹، ماده ۳۰، ماده ۳۱، ماده ۳۲، بند «الف» ماده ۳۳، بند «ب» ماده ۳۳، ماده ۳۴، ماده ۳۵، بند «الف» ماده ۳۷، بند «ب» ماده ۳۷، ماده ۳۹، بند «الف» ماده ۴۲، ماده ۴۳، بند «الف» ماده ۴۴، بند «الف» ماده ۵۱، ماده ۶۵، ماده ۷۱، ماده ۷۲، ماده ۷۳، ماده ۷۴، بند «الف» ماده ۷۸، ماده ۸۷، ماده ۹۲، تبصره اول ماده ۹۳، ماده ۹۴، ماده ۱۱۵ و تبصره دوم ماده ۱۲۸.

۶- ماده ۱۷، ماده ۲۰، ماده ۲۱، ماده ۲۲، ماده ۲۳، بند «الف» ماده ۲۴، بند «ج» ماده ۲۴، بند «ه» ماده ۲۴، تبصره دوم ماده ۲۴، ماده ۲۹، ماده ۳۰، ماده ۳۱، ماده ۳۲، ماده ۳۴، ماده ۳۵، بند «الف» ماده ۳۷، بند «ب» ماده ۳۷، بند «الف» ماده ۴۲، ماده ۴۳، بند «الف» ماده ۴۴، بند «الف» ماده ۵۱، ماده ۶۵، ماده ۷۱، ماده ۷۲، ماده ۷۳، ماده ۷۴، بند «الف» ماده ۷۸، ماده ۸۷، ماده ۹۲، تبصره اول ماده ۹۳، ماده ۹۴، ماده ۱۱۵.

۷- ماده ۱۲، ماده ۳۸، ماده ۱۱۸ و ماده ۱۱۹.

۸- تبصره اول ماده ۱۲ و ماده ۱۲۴.

۹- منظور از سیاست کیفری ناهمگون، سیاست کیفری است که حکایت از تشویش و عدم انسجام فکری قانونگذار در تقنین قوانین جزایی و اتخاذ تصمیمات دارد، به گونه ای که نمی توان آن را واجد یک نظم منطقی دانست (افشین پور و نقوی، ۱۴۰۰، ۳). تعیین سیاست کیفری قطعاً متأثر از افزایش نرخ جرم، رویکرد عوام گرایانه در اجابت تقاضای شدید مجازات ها از سوی مردم، وجود سیاستمداران بدبین و تغییرات اجتماعی و سیاسی خواهد بود (افشین پور و نقوی، ۱۴۰۰، ۴).

۲-۲- حبس از دو ماه تا شش ماه

به مجازات حبس از دو ماه تا شش ماه در بند «ج»^{۱۰} ماده «۲۷»، بند «الف»^{۱۱} ماده «۵۶»، بند «ب»^{۱۲} ماده «۶۰» و ماده «۸۲»^{۱۳} قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ اشاره گردیده است. سیاست کیفری مجازات حبس از دو ماه تا شش ماه از نوع سیاست کیفری سهل گیرانه بوده ولی نشان‌دهنده سیاست کیفری ناهمگون برای جرم مهمی همچون افشاء اطلاعات و تصمیمات یا فقدان یا از بین رفتن اسناد و مدارک می‌باشد. پیشنهاد می‌گردد که در بازنگری قانون مذکور، برای جرم فوق سیاست کیفری با حبس گرایی بیشتری در نظر گرفته شود.

این مجازات در قانون محاکمات نظامی مصوب ۱۳۰۷ وجود نداشت ولی در بند اول ماده «۳۸۲» قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ و همچنین در بند دوم ماده «۱۴» و ماده «۶۲» قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ وجود داشت.

۲-۳- حبس از دو ماه تا یک سال

به مجازات حبس از دو ماه تا یک سال در ماده «۳۸»^{۱۴}، بند «ج»^{۱۵} ماده «۴۲»، بند «ج»^{۱۶} ماده «۴۴»، ماده «۴۶»^{۱۷}، ماده «۴۸»^{۱۸}، ماده «۴۹»^{۱۹}، ماده «۵۰»^{۲۰} و ماده «۵۵»^{۲۱} قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ اشاره گردیده است. سیاست کیفری مجازات حبس از دو ماه تا یک سال از نوع سیاست کیفری سهل گیرانه بوده ولی نشان‌دهنده سیاست کیفری ناهمگون برای جرائم مهمی همچون لغو دستور،

۱۰- افشاء اطلاعات و تصمیمات یا فقدان یا از بین رفتن اسناد و مدارک.

۱۱- در رابطه با غیبت بیش از پانزده روز متوالی.

۱۲- در رابطه با کارکنان وظیفه فراری.

۱۳- فروش البسه نظامی.

۱۴- لغو دستور.

۱۵- عدم حضور در محل ماموریت.

۱۶- خوابیدن در حین نگهبانی.

۱۷- اهانت به نگهبان یا مراقب.

۱۸- اهانت به مافوق.

۱۹- اهانت فرماندهان و مسئولان نظامی به افراد تحت امر خود.

۲۰- تهدید مافوق یا مراقب یا نگهبان.

۲۱- فراهم ساختن موجبات بدبینی مردم.

اهانت و تهدید می‌باشد. پیشنهاد می‌گردد که در بازنگری قانون مذکور، برای جرائم فوق سیاست کیفری با حبس گرایی بیشتری در نظر گرفته شود.

این مجازات در ماده «۲۱۲» قانون محاکمات نظامی مصوب ۱۳۰۷، بند سوم ماده «۳۲۳» قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ و همچنین در ماده «۲۴»، بند سوم ماده «۲۵»، بند سوم ماده «۲۷»، بند سوم ماده «۲۸»، ماده «۳۷» و بند اول ماده «۴۱» قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ وجود داشت.

۴-۲- حبس از سه ماه تا یک سال

به مجازات حبس از سه ماه تا یک سال در بند «ج»^{۲۲} ماده «۲۶»، بند «ب»^{۲۳} ماده «۲۷»، تبصره^{۲۴} ماده «۳۸»، ماده «۴۱»^{۲۵}، بند «ج»^{۲۶} ماده «۵۱»، ماده «۵۹»^{۲۷}، ماده «۶۴»^{۲۸}، بند «ج»^{۲۹} ماده «۷۸» و ماده «۱۰۷»^{۳۰} قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ اشاره گردیده است. سیاست کیفری مجازات حبس از سه ماه تا یک سال از نوع سیاست کیفری سهل گیرانه بوده ولی نشان‌دهنده سیاست کیفری ناهمگون برای جرم مهمی همچون در اختیار قرار دادن اسناد و مدارک، مذاکرات، تصمیمات یا اطلاعات طبقه‌بندی شده، افشاء اطلاعات و تصمیمات، تیراندازی برخلاف مقررات و ضوابط، گزارش خلاف واقع و استفاده از اوراق جعلی می‌باشد. پیشنهاد می‌گردد که در بازنگری قانون مذکور، برای جرائم فوق سیاست کیفری با حبس گرایی بیشتری در نظر گرفته شود.

این مجازات در ماده «۲۴۶» قانون محاکمات نظامی مصوب ۱۳۰۷، ماده «۳۷۴» قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ و همچنین در بند سوم ماده «۱۳»، بند اول ماده «۱۴»، بند سوم ماده «۳۳»، ماده «۳۶»، ماده «۳۷»، بند سوم ماده «۵۷»، ماده «۸۲» و بند اول ماده «۸۵» قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ وجود داشت.

۲۲- در اختیار قرار دادن اسناد و مدارک، مذاکرات، تصمیمات یا اطلاعات طبقه‌بندی شده.

۲۳- افشاء اطلاعات و تصمیمات.

۲۴- لغو دستور مربوط به منع ازدواج با اتباع بیگانه.

۲۵- تیراندازی برخلاف مقررات و ضوابط.

۲۶- خودزنی.

۲۷- غیبت بیش از پانزده روز متوالی کارکنان وظیفه.

۲۸- فرار کارکنان وظیفه.

۲۹- گزارش خلاف واقع.

۳۰- استفاده از اوراق جعلی.

۳- سیاست کیفری حبس گرای سخت گیرانه

سخت گیرانه شدن سیاست کیفری بیشتر تحت تأثیر تحولات سیاسی^{۳۱} قرار دارد تا نظریات علمی که به تصویب قوانین ماهوی و شکلی شدید کیفری و اعمال رویه‌ها و راهبردهای بسیار سخت گیرانه پلیسی و اجرایی انجامیده است (طاهری، ۱۳۹۲، ۲۶). سخت گیری کیفری به عنوان رویکردی در سیاست کیفری متضمن سخت گیری و شدت گرایی بر مجرمان از طریق افزایش میزان مجازات یا طول مدت آن یا میزان درد و رنج است (طاهری، ۱۳۹۲، ۱۲۷).

از آن جایی که سخت گیری کیفری گاهی صرفاً به دنبال سزادهی است و گاهی به منظور کنترل خطر بزهکاری سخت گیری بیش از آنچه تناسب جرم و مجازات ایجاب می کند را بر مرتکب تحمیل می کند به دو صورت قابل بررسی است: سخت گیری که بر مبنای مطالعات علمی و روشن شدن ناکارآمدی ابزارهای اصلاح و درمان در پیشگیری از ارتکاب جرم و بازپروری مجرمان شکل گرفت و سخت گیری غیرعلمی که بیشتر متأثر از تحولات سیاسی و اقتصادی بود تا مطالعات علمی. گونه اخیر سخت گیری تحت تأثیر نفوذ عوام گرایی در حوزه عدالت کیفری، به صورت سیاست کیفری عوام گرا متجلی شده و اهدافی چون سلب توان کیفری، بازدارندگی از طریق حذف و طرد مرتکبان جرائم را دنبال می کند (طاهری، ۱۳۹۲، ۱۲۸). در سیاست کیفری سخت گیرانه علمی که بر عدالت استحقاقی مبتنی است مجازات از اهداف اصلاحی و درمانی فاصله گرفته و مجدداً به رسالت سزادهی خود روی می آورد (طاهری، ۱۳۹۲، ۱۲۹).

۳-۱- حبس از سه ماه تا دو سال

به مجازات حبس از سه ماه تا دو سال در بند «ج»^{۳۲} ماده «۴۳» و ماده «۸۵»^{۳۳} قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ اشاره گردیده است. هرچند سیاست کیفری مجازات حبس از سه ماه تا دو سال از

۳۱- قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ در ششمین دوره مجلس شورای اسلامی که اکثریت نمایندگان آن اصلاح طلب بودند به تصویب رسید. با توجه به رویکرد اصلاح طلبی نمایندگان این دوره از مجلس شورای اسلامی سیاست کیفری سخت گیرانه زیادی نسبت به قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ که توسط چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی که اکثریت نمایندگان آن اصولگرا بودند به تصویب رسیده بود در نظر گرفته شده است.

۳۲- ترک محل نگهداری.

۳۳- نقص یا تضییع اموال.

نوع سیاست کیفری سخت گیرانه می باشد، ولی بین حداقل و حداکثر مجازات حبس تناسبی وجود ندارد مخصوصاً برای جرم مهمی همچون ترک محل نگهداری مجازات حداقل سه ماه حبس به هیچ وجه مناسب نمی باشد. پیشنهاد می گردد که در بازنگری قانون مذکور، برای جرم فوق سیاست کیفری با حبس گرایی بیشتری در حداقل مجازات در نظر گرفته شود.

این مجازات در قانون محاکمات نظامی مصوب ۱۳۰۷ و قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ وجود نداشت ولی در ماده «۳۵» قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ وجود داشت.

۲-۳- حبس از شش ماه تا دو سال

به مجازات حبس از شش ماه تا دو سال در بند «الف»^{۳۴} ماده «۲۷»، ماده «۳۹»^{۳۵}، بند «ب»^{۳۶} ماده «۴۴»، بند «ب»^{۳۷} ماده «۵۶»، ماده «۶۴»^{۳۸}، ماده «۶۹»^{۳۹}، ماده «۸۱»^{۴۰}، ماده «۸۴»^{۴۱}، ماده «۱۰۶»^{۴۲}، بند «الف»^{۴۳} ماده «۱۰۸»، ماده «۱۱۴»^{۴۴}، ماده «۱۲۶»^{۴۵} و ماده «۱۲۷»^{۴۶} قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ اشاره گردیده است. هرچند سیاست کیفری مجازات حبس از شش ماه تا دو سال از نوع سیاست کیفری سخت گیرانه می باشد، ولی بین حداقل و حداکثر مجازات حبس تناسبی وجود ندارد مخصوصاً برای جرائم مهمی همچون فرار از جبهه، جعل اسناد و نوشته های غیررسمی و تدلیس در معامله مجازات حداقل شش ماه حبس به هیچ وجه مناسب نمی باشد. پیشنهاد می گردد که در بازنگری قانون مذکور، برای جرائم

۳۴- افشاء اطلاعات و تصمیمات.

۳۵- عدم اجرای مصوبات شورای عالی امنیت ملی، شورای امنیت کشور و شوراهای تأمین استان یا شهرستان.

۳۶- خوابیدن در حین نگهداری.

۳۷- غیبت.

۳۸- فرار از جبهه.

۳۹- عدم معرفی در زمان جنگ.

۴۰- فروش وسائل نقلیه.

۴۱- مصرف غیرمجاز وسائل و اموال و وجوه متعلق به دولت.

۴۲- جعل اسناد و نوشته های غیررسمی.

۴۳- تدلیس در معامله.

۴۴- تقلب در مواد غذایی در اثر اهمال و بی توجهی.

۴۵- استفاده بدون مجوز از نشان ها و مدال ها و علائم و درجات و البسه رسمی نظامی.

۴۶- استفاده از پرچم یا بازوبند یا سایر علائم هلال احمر.

فوق سیاست کیفری با حبس گرای بیشتری در حداقل مجازات در نظر گرفته شود.

این مجازات در ماده «۲۱۳» قانون محاکمات نظامی مصوب ۱۳۰۷، بند دوم ماده «۳۲۴»، ماده «۳۳۲»، ماده «۳۴۷» و بند اول ماده «۳۵۱» قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ و همچنین در بند دوم ماده «۲۷»، ماده «۳۶»، ماده «۴۰»، ماده «۶۳» و ماده «۶۴»، قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ وجود داشت.

۳-۳- حبس از شش ماه تا سه سال

به مجازات حبس از شش ماه تا سه سال در بند «د»^{۴۷} ماده «۳۳»، ماده «۴۰»^{۴۸}، بند «ب»^{۴۹} ماده «۵۲»، ماده «۵۳»^{۵۰}، تبصره اول^{۵۱} ماده «۷۹»، ماده «۸۳»^{۵۲}، تبصره دوم^{۵۳} ماده «۹۱»، ماده «۱۰۰»^{۵۴}، ماده «۱۰۱»^{۵۵} و ماده «۱۰۵»^{۵۶} قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ اشاره گردیده است. هرچند سیاست کیفری مجازات حبس از شش ماه تا سه سال از نوع سیاست کیفری سخت گیرانه می‌باشد، ولی بین حداقل و حداکثر مجازات حبس تناسبی وجود ندارد مخصوصاً برای جرائم مهمی همچون شورش و تمرد مجازات حداقل شش ماه حبس به هیچ وجه مناسب نمی‌باشد. پیشنهاد می‌گردد که در بازنگری قانون مذکور، برای جرائم فوق سیاست کیفری با حبس گرای بیشتری در حداقل مجازات در نظر گرفته شود.

این مجازات در قانون محاکمات نظامی مصوب ۱۳۰۷ وجود نداشت ولی در ماده «۳۳۴»، ماده «۳۳۵»، بند «الف» ماده «۳۵۶»، ماده «۳۷۷»، بند دوم ماده «۳۸۲»، ماده «۴۰۰»، ماده «۴۰۲» و بند «ب» ماده «۴۱۰» قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ و همچنین در تبصره دوم ماده «۲۳»، بند دوم ماده «۳۴»، ماده «۳۵»، ماده «۵۸»، ماده «۵۹» و ماده «۸۱» قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ وجود داشت.

۴۷- شورش.

۴۸- عضویت در سازمان‌ها، احزاب و جمعیت‌های سیاسی.

۴۹- تمرد.

۵۰- آزار روحی یا صدمه بدنی.

۵۱- استفاده از اوراق و تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع.

۵۲- استفاده غیرمجاز از اسلحه و مهمات یا لوازم نظامی.

۵۳- سرقت نوشته‌ها یا اسناد یا اوراق.

۵۴- استفاده از مهر یا تمپر یا علامت نیروهای مسلح.

۵۵- استفاده از مهر یا تمپر یا علامت نیروهای مسلح.

۵۶- استفاده از اوراق مجعول.

۴-۳- حبس از یک سال تا سه سال

به مجازات حبس از یک سال تا سه سال در ماده «۵۴»^{۵۷}، ماده «۶۲»^{۵۸} و ماده «۶۳»^{۵۹} قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ اشاره گردیده است. سیاست کیفری مجازات حبس از یک سال تا سه سال از نوع سیاست کیفری سخت گیرانه می باشد و بین حداقل و حداکثر مجازات حبس تناسب وجود دارد. پیشنهاد می گردد که در بازنگری قانون مذکور، برای جرم موضوع ماده «۶۲» که در رابطه با معرفی اشخاص نظامی به واحدهای نظامی می باشد سیاست کیفری سهل گیرانه در نظر گرفته شود.

این مجازات در ماده «۲۳۶» و ماده «۲۶۷» قانون محاکمات نظامی مصوب ۱۳۰۷، ماده «۳۷۶» قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ و همچنین در ماده «۸۴» قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ وجود داشت.

۵-۳- حبس از یک سال تا پنج سال

به مجازات حبس از یک سال تا پنج سال در بند «ب»^{۶۰} ماده «۵۱»، ماده «۶۱»^{۶۱}، ماده «۷۹»^{۶۲}، ماده «۸۹»^{۶۳}، ماده «۹۷»^{۶۴}، ماده «۹۹»^{۶۵}، بند «ب»^{۶۶} ماده «۱۰۸»، بند «الف»^{۶۷} ماده «۱۱۸»، بند «الف»^{۶۸} ماده «۱۱۹»، تبصره

۵۷- بی احتیاطی یا بی مبالائی یا عدم رعایت نظامات دولتی توسط فرماندهان.

۵۸- فرار از خدمت در زمان جنگ.

۵۹- فرار از خدمت در زمان جنگ.

۶۰- تهدید به خودزنی.

۶۱- غیبت.

۶۲- موجبات معافیت.

۶۳- سرقت.

۶۴- جعل.

۶۵- جعل.

۶۶- تدلیس در معامله.

۶۷- در حکم مرثی.

۶۸- اختلاس تا یک میلیون ریال.

دوم^{۶۹} ماده «۱۱۹» و ماده «۱۲۵»^{۷۰} قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ اشاره گردیده است. سیاست کیفری مجازات حبس از یک سال تا پنج سال از نوع سیاست کیفری سخت گیرانه می‌باشد و بین حداقل و حداکثر مجازات حبس تناسب وجود دارد. پیشنهاد می‌گردد که در بازنگری قانون مذکور، برای جرائم تهدید به خودزنی و غیبت سیاست کیفری سهل گیرانه در نظر گرفته شود و برای جرائم ارتشاء و اختلاس سیاست کیفری با حبس گرای بیشتری در حداقل مجازات در نظر گرفته شود.

این مجازات در قانون محاکمات نظامی مصوب ۱۳۰۷ و قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ وجود نداشت، ولی در بند دوم ماده «۸۵» قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ وجود داشت.

۳-۶- حبس از یک سال تا ده سال

به مجازات حبس از یک سال تا ده سال در بند «ه»^{۷۱} ماده «۲۴»، ماده «۹۶»^{۷۲} و ماده «۹۸»^{۷۳} قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ اشاره گردیده است. سیاست کیفری مجازات حبس از یک سال تا ده سال از نوع سیاست کیفری سخت گیرانه می‌باشد ولی بین حداقل و حداکثر مجازات حبس تناسبی وجود ندارد مخصوصاً برای جرمی همچون جعل مجازات حداکثر ده سال حبس به هیچ وجه مناسب نمی‌باشد که این موضوع نشان‌دهنده سیاست کیفری ناهمگون می‌باشد. پیشنهاد می‌گردد که در بازنگری قانون مذکور، برای جرائم مذکور در دو ماده فوق سیاست کیفری سهل گیرانه در نظر گرفته شود. این مجازات در قانون محاکمات نظامی مصوب ۱۳۰۷ و قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ وجود نداشت ولی در ماده «۷۵» و ماده «۸۰» قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ وجود داشت.

۶۹- خریداری اموال مورد اختلاس.

۷۰- اکراه به معامله.

۷۱- جاسوسی.

۷۲- جعل حکم یا امضاء یا مهر فرماندهان.

۷۳- جعل مهریکی از نیروهای مسلح.

۷-۳- حبس از دو سال تا پنج سال

به مجازات حبس از دو سال تا پنج سال در بند «ب» ماده ^{۷۴} «۴۲»، تبصره دوم ^{۷۵} ماده «۴۲»، بند «ب» ^{۷۶} ماده «۴۵»، بند «ب» ^{۷۷} ماده «۴۷»، بند «الف» ^{۷۸} ماده «۵۲»، ماده «۶۲» ^{۷۹}، ماده «۶۳» ^{۸۰}، بند «ج» ^{۸۱} ماده «۷۲»، ماده «۷۴» ^{۸۲}، بند «ب» ^{۸۳} ماده «۷۸»، ماده «۹۴» ^{۸۴}، ماده «۱۰۳» ^{۸۵} و ماده «۱۰۴» ^{۸۶} قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ اشاره گردیده است سیاست کیفری مجازات حبس از دو سال تا پنج سال از نوع سیاست کیفری سخت گیرانه می باشد. ولی بین حداقل و حداکثر مجازات حبس تناسبی وجود ندارد مخصوصاً برای جرائمی همچون گزارش خلاف واقع، فرار و ترمرد مجازات حداکثر پنج سال حبس به هیچ وجه مناسب نمی باشد که این موضوع نشان دهنده سیاست کیفری ناهمگون می باشد. پیشنهاد می گردد که در بازنگری قانون مذکور، برای جرائم مذکور سیاست کیفری سهل گیرانه در نظر گرفته شود.

این مجازات در ماده «۲۳۸» و ماده «۲۵۶» قانون محاکمات نظامی مصوب ۱۳۰۷ و بند سوم ماده «۳۸۲» قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ وجود داشت ولی در قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ وجود نداشت.

۷۴- عدم حضور در محل مأموریت.

۷۵- عدم حضور در منطقه عملیات جنگی.

۷۶- تعرض بدون سلاح.

۷۷- قتل بدون سلاح.

۷۸- ترمرد با اسلحه.

۷۹- فرار از جبهه.

۸۰- فرار از جبهه.

۸۱- مبادرت به فرار.

۸۲- فرار با توطئه در زمان صلح.

۸۳- گزارش خلاف واقع.

۸۴- آتش سوزی یا تخریب.

۸۵- جعل.

۸۶- جعل مفادی.

۸-۳- حبس از دو سال تا ده سال

به مجازات حبس از دو سال تا ده سال بند «د»^{۸۷} ماده «۲۴»، بند «ب»^{۸۸} ماده «۲۶»، ماده «۳۵»^{۸۹}، ماده «۳۶»^{۹۰}، بند «ب»^{۹۱} ماده «۳۷»، بند «الف»^{۹۲} ماده «۴۲»، بند «ب»^{۹۳} ماده «۴۳»، بند «الف»^{۹۴} ماده «۴۴»، بند «ب»^{۹۵} ماده «۴۷»، بند «الف»^{۹۶} ماده «۵۱»، بند «ب»^{۹۷} ماده «۷۲»، ماده «۸۰»^{۹۸}، ماده «۹۱»^{۹۹}، بند «ج»^{۱۰۰} ماده «۱۰۸»، ماده «۱۰۹»^{۱۰۱}، ماده «۱۱۰»^{۱۰۲}، ماده «۱۱۲»^{۱۰۳}، بند «ب»^{۱۰۴} ماده «۱۱۸» و بند «ب»^{۱۰۵} ماده «۱۱۹» قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ اشاره گردیده است.

سیاست کیفری مجازات حبس از دو سال تا ده سال از نوع سیاست کیفری سخت گیرانه می‌باشد ولی بین حداقل و حداکثر مجازات حبس تناسبی وجود ندارد مخصوصاً برای جرائمی همچون جعل، عدم حضور در وقت مقرر، خودزنی، فرار، سرقت، خوابیدن در حین نگهبانی، ترک محل نگهبانی و تدلیس در معامله مجازات حداکثر ده سال حبس به هیچ وجه مناسب نمی‌باشد که این موضوع نشان‌دهنده سیاست

۸۷- جاسوسی.

۸۸- جاسوسی.

۸۹- ادامه دادن عملیات.

۹۰- بر عهده گرفتن فرماندهی.

۹۱- لغو اوامر فرماندهان.

۹۲- عدم حضور در وقت مقرر.

۹۳- ترک محل نگهبانی.

۹۴- خوابیدن در حین نگهبانی.

۹۵- ضرب یا جرح یا نقص عضو یا قتل.

۹۶- خودزنی.

۹۷- فرار.

۹۸- فروش اسلحه و مهمات.

۹۹- سرقت.

۱۰۰- تدلیس در معامله.

۱۰۱- قبول هدیه یا امتیاز یا درصدا نه.

۱۰۲- تبانی.

۱۰۳- تقلب در مواد غذایی.

۱۰۴- در حکم مرتشی.

۱۰۵- اختلاس بیش از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال.

کیفری ناهمگون می‌باشد. پیشنهاد می‌گردد که در بازنگری قانون مذکور، برای جرائم مذکور سیاست کیفری سهل گیرانه در نظر گرفته شود.

این مجازات در بند «الف» ماده «۳۳۰»، ماده «۳۸۱» و ماده «۴۰۰» قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ وجود داشت ولی در قانون محاکمات نظامی مصوب ۱۳۰۷ و قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ وجود نداشت.

۹-۳- حبس از سه سال تا پانزده سال

به مجازات حبس از سه سال تا پانزده سال در ماده «۲۱»^{۱۰۶}، ماده «۲۳»^{۱۰۷}، بند «ب» ماده «۲۴»^{۱۰۸}، بند «الف»^{۱۰۹} ماده «۲۶»، ماده «۳۱»^{۱۱۰}، ماده «۳۲»^{۱۱۱}، بند «الف»^{۱۱۲} ماده «۳۳»، بند «ب» ماده «۳۳»، بند «ج»^{۱۱۳} ماده «۳۳»، ماده «۳۴»^{۱۱۳}، بند «الف»^{۱۱۴} ماده «۳۷»، بند «الف»^{۱۱۵} ماده «۴۳»، بند «الف»^{۱۱۶} ماده «۴۵»، بند «الف»^{۱۱۷} ماده «۴۷»، بند «ب»^{۱۱۸} ماده «۴۷»، ماده «۶۱»^{۱۱۹}، ماده «۷۱»^{۱۲۰}، بند «الف»^{۱۲۱} ماده «۷۲»، ماده «۷۳»^{۱۲۲}، ماده «۷۴»^{۱۲۳}، ماده «۹۰»^{۱۲۴}، تبصره اول^{۱۲۵} ماده «۹۱»، ماده «۹۳»^{۱۲۶}، ماده «۹۵»^{۱۲۷}، ماده

۱۰۶- براندازی نظام.

۱۰۷- اجبار یا تحریک به فرار.

۱۰۸- جاسوسی.

۱۰۹- جاسوسی.

۱۱۰- انعقاد قرارداد تسلیم با دشمن.

۱۱۱- عدم به کار بردن سلاح یا مهمات.

۱۱۲- شورش.

۱۱۳- انجام عملیات خصمانه.

۱۱۴- لغو اوامر فرماندهان.

۱۱۵- ترک محل نگهداری.

۱۱۶- تعرض با سلاح.

۱۱۷- ضرب یا جرح یا نقص عضو یا قتل با سلاح.

۱۱۸- ضرب یا جرح یا نقص عضو یا قتل بدون سلاح.

۱۱۹- غیبت.

۱۲۰- فرار با سلاح گرم.

۱۲۱- فرار بدون سلاح گرم.

۱۲۲- فرار به طرف دشمن.

«۱۱۳» ۱۲۸، بند «ج» ۱۲۹ ماده «۱۱۸» و بند «ج» ۱۳۰ ماده «۱۱۹» قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ اشاره گردیده است.

سیاست کیفری مجازات حبس از سه سال تا پانزده سال از نوع سیاست کیفری سخت گیرانه می باشد ولی بین حداقل و حداکثر مجازات حبس تناسبی وجود ندارد مخصوصا برای جرائمی همچون توزیع مواد غذایی فاسد، اختلاس، عدم به کار بردن سلاح یا مهمات، ترک محل نگهدانی، آتش سوزی و تخریب مجازات حداکثر پانزده سال حبس به هیچ وجه مناسب نمی باشد که این موضوع نشان دهنده سیاست کیفری ناهمگون می باشد. پیشنهاد می گردد که در بازنگری قانون مذکور، برای جرائم مذکور سیاست کیفری سهل گیرانه در نظر گرفته شود.

این مجازات در قانون محاکمات نظامی مصوب ۱۳۰۷، قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ و قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ وجود نداشت.

نتیجه

آنچه تلاش شد در این پژوهش تبیین گردد، مطالعه سیاست کیفری مجازات حبس در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ با تطبیق قانون محاکمات نظامی مصوب ۱۳۰۷، قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ و قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ می باشد. برخی از مجازات های حبس در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ مشابه قوانین پیشین^{۱۳۱} می باشند و برخی از مجازات های حبس در قوانین پیشین وجود نداشتند و برای اولین مرتبه توسط قانونگذار مورد قانونگذاری قرار گرفته اند. در مجموع، می توان اذعان داشت که از سیزده نوع مجازات حبس در قانون مجازات جرائم

۱۲۳- فرار با توطئه در زمان جنگ.

۱۲۴- سرقت.

۱۲۵- سرقت توسط امانت دار یا مستحفظ.

۱۲۶- آتش سوزی یا تخریب.

۱۲۷- جعل حکم یا امضاء یا مهر یا فرمان یا دستخط فرماندهی کل قوا.

۱۲۸- توزیع مواد غذایی فاسد.

۱۲۹- در حکم مرتشی.

۱۳۰- اختلاس بیش از ده میلیون ریال.

۱۳۱- پیش از انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب اسلامی.

نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ چهار^{۱۳۲} نوع دارای سیاست کیفری سهل گیرانه همراه با سیاست کیفری ناهمگون و نه^{۱۳۳} نوع دارای سیاست کیفری سخت گیرانه همراه با سیاست کیفری ناهمگون می‌باشند.

موضوع دیگری که نشان‌دهنده سیاست کیفری ناهمگون در رابطه با مجازات حبس در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ می‌باشد این است که در برخی موارد مجازات عمل ارتكابی در ابتدا مجازات محارب^{۱۳۴} در نظر گرفته شده ولی در مرحله بعدی مجازات مرتکب حبس در نظر گرفته شده است. چطور ممکن است رویکرد قانونگذار ابتدا مجازات محارب^{۱۳۵} باشد و سپس جهت تخفیف به مرتکب حبس مورد مجازات قرار گیرد؟ و بر چه اساسی چنین رویکردی اتخاذ شده است؟ در پاسخ به پرسش‌های مطروحه می‌توان اذعان داشت که تفکر امنیت‌گرایی^{۱۳۶}، تأثیر قدرت در نظام کیفری^{۱۳۷} و

۱۳۲- حبس از یک ماه تا شش ماه؛ حبس از دو ماه تا شش ماه؛ حبس از دو ماه تا یک سال؛ حبس از سه ماه تا یک سال.

۱۳۳- حبس از سه ماه تا دو سال؛ حبس از شش ماه تا دو سال؛ حبس از شش ماه تا سه سال؛ حبس از یک سال تا سه سال؛ حبس از یک سال تا پنج سال؛ حبس از یک سال تا ده سال؛ حبس از دو سال تا ده سال؛ حبس از سه سال تا پانزده سال.

۱۳۴- ماده «۲۱»، ماده «۲۳»، ماده «۳۱»، ماده «۳۲»، بند «الف» ماده «۳۳»، بند «ب» ماده «۳۳»، ماده «۳۴»، ماده «۳۵»، بند «الف» ماده «۳۷»، بند «ب» ماده «۳۷»، ماده «۳۹»، بند «الف» ماده «۴۲»، ماده «۴۳»، بند «الف» ماده «۴۴»، بند «الف» ماده «۵۱»، ماده «۷۱»، بند «الف» ماده «۷۲»، ماده «۷۳» و ماده «۷۴».

۱۳۵- ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: حد محاربه یکی از چهار مجازات زیر است: الف- اعدام. ب- صلب. پ- قطع دست راست و پای چپ. ت- نفی بلد.

۱۳۶- امنیت‌گرایی در اصطلاح یعنی مبتنی کردن قواعد و مقررات حقوق کیفری به حاکمیت امنیت اگر چه به قیمت شکسته شدن عدالت و نگذاشتن پایه احقاق حق بر مساوات و عدم توجه به حقوق متهم تمام شود. در اصطلاح حقوقی، امنیت‌گرایی عبارت است از فداکردن برخی از حقوق متهمان و مجرمان به منظور حاکمیت امنیت (مندنی و آشوری، ۱۳۹۷، ۱۸۸). امنیت‌گرایی یکی از برساخت‌های ناروایی است که بر پیکره سیاست جنایی تحمیل می‌گردد و به معنای روند انحرافی در تشکیل یک فرایند پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه است. امنیتی شدن سیاست جنایی و به دنبال آن سخت‌گیری و سرسختی نظام عدالت کیفری، در تمام ساخت و بنیان سیاست جنایی رسوخ کرده و آن را به یک بستر کاملاً متفاوت تبدیل می‌کند که سیاست جنایی تشکیل یافته بر مبنای آن، از مسیر اصلی و اولیه خود خارج می‌گردد؛ بنابراین روابط اصلی میان نامتغیرها در یک سیاست جنایی مطلوب، به هم خورده و شکل خاصی از سیاست جنایی را در بوته عمل شناسایی می‌کند. در این معنا، سیاست جنایی امنیت‌گرا، تأسیسات و تشکیلات جدیدی را به وجود می‌آورد که می‌تواند تمامی پاسخ‌های خود به پدیده مجرمانه و نیز به کارگیری مراجع مختلف پاسخ‌دهی در موقعیت برعکس را توجیه کند. امنیت‌گرایی سیاست جنایی می‌تواند معیاری برای تمیز یک سیاست جنایی کارآمد و مطلوب از یک سیاست جنایی ناکارآمد و نامطلوب باشد؛ چرا که سیاست جنایی نامطلوب در آینده‌های دور یا نزدیک، با بحرا جدی و انسداد روبه‌رو خواهد شد (قناد و اکبری، ۱۳۹۶، ۴۲).

۱۳۷- نظام کیفری ایران با الهام از مقررات شرعی و وضعی، مثل هر نظام دیگری، از مناسبات قدرت مصون نمانده و مکانیسم قدرت در سیاستگذاری عمومی و مراتب بعدی قانونگذاری، اجرایی و قضایی بسته به موضوع تأثیر خود را آشکار ساخته است. در حوزه سیاست

سیاست کیفری ناهمگون در این خصوص قابل مشاهده می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- آشوری، محمد و توحیدی، طاهر، ۱۴۰۰، مکانیسم قدرت و تأثیر آن بر مجازات تابعان، **فصلنامه**

پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۸.

- افشین پور، مصطفی و نقوی، مهدی، ۱۴۰۰، سیاست کیفری ناهمگون قانون مجازات اسلامی در تعدیل کیفر،

فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، شماره ۲۳.

- اکبری، جهاندار؛ آشوری، محمد؛ اردیبی، محمدعلی؛ صفاری، علی، ۱۳۹۹، فلسفه کیفر حبس در نظام تقنینی

معاصر ایران، **فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری**، شماره ۴۵.

- بهرامی، محمود؛ پوربافرانی، حسن؛ شکرچی زاده، محسن، ۱۴۰۱، بررسی سیر اندیشه‌های قانونگذار ایران

پیرامون مجازات حبس و دیدگاه‌های موافق و مخالف، **ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران**،

شماره ۴.

- پورمحمی آبادی، حسین؛ بوستانی، داریوش؛ قماش، سعید، ۱۳۹۷، سیطره حبس گرایی و رویای حبس زدایی

در سیاست کیفری ایران (مطالعه موردی حوزه قضایی شهر کرمان)، **دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق**

تقنینی، به وضوح تأثیر قدرت سیاسی بر وضع قوانینی خلاف اصل را شاهد هستیم و وضع تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نمودگار بارز آن است و نیز قائل گردیدن اختیاراتی موسع برای دادوران، در راستای تحدید حق دسترسی و کلا و سهامداران در دعوی را باید از این شمار دانست. در نظام قضایی ایران هم دعاوی مشهور فراوانی را می‌توان مثال زد که از نفوذ قدرت مصون نمانده و شاید دعاوی محمد گندم نژاد طوسی معروف به سعید طوسی، روح الله زم، محمدعلی نجفی، ناصر محمدخانی و بسیاری دیگر را بتوان در این شمار مثال زد که هر کدام نیز تحت تأثیر مناسبات قدرت در جهت‌گیری قضایی، نتیجه‌ای متفاوت با امر واقع به بار آورده و یا بلاپیگرد مانده و یا در زمان تعقیب به سکوت برگزار گردیده است (آشوری و توحیدی، ۱۴۰۰، ۱۶۲).

کیفری، شماره ۹۷.

- حاجی ده آبادی، احمد، ۱۳۸۹، مقررات کیفری لایحه حمایت از خانواده در بوته نقد، **فصلنامه مطالعات**

راهبردی زنان، شماره ۴۸.

- حاجی ده آبادی، محمدعلی و سلیمی، احسان، ۱۳۹۳، اصول جرم انگاری در فضای سایبر با رویکردی

انتقادی به قانون جرایم رایانه‌ای، **فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره ۸۰**

- حاجی ده آبادی، محمدعلی و سلیمی، احسان، ۱۳۹۸، مبانی، اصول و ساز و کارهای اجرایی مدل

کیفرگذاری هدفمند، **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲۹.**

- حبیب زاده، محمدجعفر و وزینالی، امیرحمزه، ۱۳۸۴، درآمدی بر برخی محدودیت‌های عملی جرم انگاری

(ضرورت ارزیابی منافع و مضار ایجاد یک جرم)، **فصلنامه نامه مفید، شماره ۴۹.**

- خالقی، ابوالفتح و شاه چراغ، حمید، ۱۳۹۳، تحلیل اقتصادی حقوق کیفری بر اساس نظریه‌های همسو با عمل

گرایی حقوقی، **فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۷.**

- شاکری، یاسر، ۱۴۰۳، سیاست کیفری ایران در قبال جرائم خاص نظامی نیروهای مسلح، **فصلنامه تمدن**

حقوقی، شماره ۲۱.

- طاهری، سمانه، ۱۳۹۲، **سیاست کیفری سخت گیرانه**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، ۱۳۹۷، **بایسته‌های حقوق اساسی**، چاپ پنجاه و پنجم، تهران، انتشارات

میزان.

- قناد، فاطمه و اکبری، مسعود، ۱۳۹۶، امنیت گرایی سیاست جنایی، **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری،**

شماره ۱۸.

- غلامی و حسین، افضلیان، مینا، ۱۳۸۹، رویکردی کیفرشناختی به مبانی و کیفیت توزیع مجازات‌ها در کتاب

پنجم قانون مجازات اسلامی، **فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۶.**

- غلامی، حسین، ۱۳۹۰، رویکردی کیفرشناختی به مبانی و کیفیت توزیع مجازات‌ها در کتاب پنجم قانون

مجازات اسلامی، **فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۶.**

- غلامی، حسین، ۱۳۹۵، کیفرگرایی مفهوم و گونه‌های آن، مندرج در: **علوم جنایی تطبیقی در پرتو**

همکاری‌های بین‌المللی، مجموعه مقالات نكوداشت دكتر سيلويا تلنباخ، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

- کاتینگهام، جان، ۱۳۷۶، فلسفه مجازات، ترجمه محمدرضا ظفری، **فصلنامه نقد و نظر**، شماره ۴.
- مندنی، اسلام و آشوری، محمد، ۱۳۹۷، تحلیل سیاست جنایی امنیت‌مدار در پرتو اصول اخلاقی و موازین حقوق بشری، **فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی**، شماره ۱.
- نوبهار، رحیم، ۱۳۹۰، اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری، **فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری**، شماره ۱.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.22- Winter 2025

Analysis of Fundamental Principles Governing Demand Guarantees in International Trade Law with a Look at New Trade Bill

Homayoun Mafi, Mehdi Fallah Khariki

Dual Nationality in Iran and England

Reza Hossein Gandomkar, Hesamodin Torkaman, Shahrooz Darbandi

The Conditions for the Payment of Alimony and the Legal and Criminal Guarantees for Non-Payment of Alimony in France and Turkey

Arash Kamranlou, Sobhan Tayebi

Government Civil Liability due to the Delay of Proceedings

Abolfath Khaleghi, Fatemeh Khodabandeh

Legal Analysis of the Cooling Off Period Clause in Foreign Investment Treaties

Mojtaba Asgharian, Mohadeseh Ahmadabadi, Mohammadreza Afshari

The Role of the Judiciary in Linking Judicial Security and Economic Security

Mahmoud Habibi Tabar, Amir Esmaeili

The Principle of Non-Cut Off; The Fundamental Principle in the Delimitation of Maritime Zones

Mohsen Behjati

An Essay on Contemporary Utilitarianism Justifications of Punishment; from General Deterrence to General Prevention

Mohammad Mehdi Sadeghi

Enforcement of the Deceased's Obligations in Iranian and French Law

Younes Bagheri

Women's Free Will Regarding Marriage and Divorce in Ancient Iranian Law

Mohamad Mahdi Davar, Saeideh Taslimi

A Critical Examination of the Additional Jurisdiction of Special Criminal Courts in the Face of Criminal Cooperation

Sayyed Mohammad Khezry

Unfair Terms in Consumer Contracts Regulations 1999 in England

Amir Mohammad Mahrokh

An Analysis of the Position of the Permission of the Leadership Regarding the Development of the Jurisdiction of the

Judicial Organization of the Armed Forces in Iran's Legal System

Mohammad Khorshidi Athar

Causes of the Emergence of Pragmatism in the Criminal Policy of Economic Crimes

Rostam Aliakbari, Arezo Cheraghi, Arsalan Moradi

The Right of the Child to Leave the Country by the Mother is a Challenge in Iran's Judicial Procedure (with Emphasis on the

Decree Issued by the 11th Branch of the Court of Appeal of Mazandaran Province)

Mohammad Saeid Hosseini, Shayesteh Salehi, Nahid Ghasemi, Mohsen Mahdizadeh

Civil Liability of Pilgrimage Tours against Damages Caused to Pilgrims

Alireza Shamshiri, Parisa Rezvan

Crimes Committed Against Cultural Heritage in Iranian and United States Law

Vahid Kiomarsi, Masoud Mostafapoor

Jurisprudential Analysis of the Responsibility of Fire Officers in the Legal System of Iran and England

Majid Kiani Rad

Challenging Paths to the Future of Artificial Intelligence Law

Behrokh Ganji, Mohammad Gharibshah

Effects of Option Sale in Iranian and French Law

Ardeshir Amjadi Golpaygani

Measures to Prevent Financial Corruption in the Iranian Banking System: Pathology and Improvement Strategies in Two

Proactive and Reactive Areas

Sayyed Bahman Akbari

Necessities of the Contract in Iran's E-commerce Laws

Mohsen Fallah, Khatereh Derogar Lichahi

An Analysis of Strict and Lenient Incarceration Policy in the Criminal Law of the Armed Forces

Yasser Shakeri

Human Rights, Pragmatism and the Limits of Moral Theory: A Review of Human Rights as Politics and Idolatry

Soheil Golchin

inprotected.com